

نقد و بررسی مقاله «سیاره و ستاره» اثر پائلو کونیتچ

علی تردست^۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

چکیده

اشارات علمی قرآن کریم از دیرباز مورد توجه قرآن پژوهان مسلمان و غیر مسلمان بویژه مستشرقین بوده است. بنظر می رسد مطالعات گسترده آنان بر گرفته از فرضیات علمی که هنوز به قطعیت کامل نرسیده، می باشد در مقاله «ستاره و سیاره» اثر پائلو کونیتچ به آیات متعددی در خصوص ستاره و سیاره و هفت آسمان اشاره کرده است اما از سویی بیگانگی با مسائل علمی و عدم فهم درست از ظاهر آیات و نادیده گرفتن زبانشناسی و لغات در تفسیر و توضیح آیات سبب شده تا نتیجه گیریهای اشتباه بگیرد از سویی دیگر با نادیده گرفتن منابع شیعی و تکیه بر منابع غیر اصیل دچار تردید و تشکیک شده است. با استفاده از دانش تفسیری و تکامل ابزار دقیق دانش علوم تجربی و قطعی پرده از اسرار آیات الهی و شگفتی آن برداشته می شود و بینش و درک صحیحی نسبت به آیات قرآن کریم پدیدار می گردد. در این نوشتار سعی شده است دیدگاه این مستشرق نقد و بررسی گردد.

واژگان کلیدی: نقد، بررسی، سیاره، ستاره، پائلو کونیتچ.

مقدمه:

یکی از حوزه های مطالعاتی غیر مسلمانان بویژه خاورشناسان در عرصه تاریخ قرآن و موضوعات مربوط به آن است، بسیاری از خاورشناسان با بهره گیری از منابع اهل سنت به معرفی موضوعات قرآنی توجه بیشتری نشان دادند و با بکارگیری ابزار تاریخ ادیان و زبان شناسی تاریخی و تطبیقی به مطالعه موضوعات اسلامی بویژه حوزه قرآن از نگاه اسلام سنی پرداختند در حالی که این حرکت پیرامون آثار شیعی به کندی پیش می رفت و مطالعات و نسخ خطی شیعی در پس سایر مطالعات دیگر فرق قرار داشت و همین امر سبب پیش داوری و تحریف پیرامون منابع اسلامی بویژه شیعی همراه گشت (برای مطالعه بیشتر نک: مطهری نیا، ۱۳۸۸، ص ۴۲)

همچنین عدم مراجعه مستشرقین به منابع معتبر شیعه، باعث بروز پیش فرض هایی چون غیر وحیانی بودن قرآن و یا تأثیر پذیری قرآن از فرهنگ زمانه، رد و تخطئه قرآن بوده است. پائلو کونیتچ از جمله خاورشناسانی است که در مقاله ای تحت عنوان « سیاره و ستاره » به بررسی آیات قرآن پرداخته و اشارت های قرآن کریم، پیرامون نجوم و کیهان شناسی را تأثیر پذیر از فرهنگ و عصر نزول دانسته است و در تمامی موارد به آثار غیر شیعی بویژه اهل سنت استناد نموده است.

البته لازم به ذکر است که منجمین مسلمان کارهای ارزشمندی در زمینه های نظریه پردازی و طراحی و ساخت ابزار رصدی انجام داده اند ده هزار نخسه خطی نجوم و همچنین ابزار نجومی دوره اسلامی در کتابخانه ها و موزه های خاور نزدیک و اروپا نگهداری می شود. البته باید گفت نحوه آشنایی مسلمانان با آثار یونانی پیرامون نجوم شناسی را می توان در برخورد مسلمانان هنگام فتح و پیروزی با سرزمین های دیگر دانست. تأثیرات نجوم هندی بر سنت اسلامی را می توان به سال ۱۵۵ قمری در زمان خلیفه عباسی قلمداد نمود، چرا که به دستور او کتب پیرامون ستاره شناسی به عربی ترجمه شد و آثار مربوط به نظریه بطلمیوس در اواخر دوره اسلامی ترجمه به عربی شدند و بسیاری از دانشمندان اسلامی به نقد و بازنویسی و بازگویی محتوای آن پرداخته و از لحاظ نظری و هم عملی، تصحیح، تکمیل، نقد و روزآمد، آن آثار پرداخته اند. (برای مطالعه بیشتر نک: کینگ، ترجمه موسوی، ۱۳۹۴). همچنین باید افزود اروپاییان نجوم دوره اسلامی را از آثار مسلمان در شرق شناختند و دستاوردهای اولیه مسلمانان که بعدها به دلایل گوناگون به دست فراموشی سپرده شده بود به پای اروپاییان نوشته شده است.

در زمینه اشارت های قرآنی باید گفت علاوه بر دلایل قطعی علمی که بصورت قوانین ثابت اند، لازم و ضروری است که در رساندن نکات علمی، داشتن دانش لغوی و معلومات زبان شناختی، دقت در ترجمه صحیح (برای مطالعه بیشتر نک: گوهری، ۱۳۹۷، ص ۱۵۰-۱۷۵؛ سعیدی روشن، ۱۳۸۳، فصل ۱۱)، دقت در سیاق آیات و وجوه آن را باید در نظر داشت.

نزدنامه قرآن و حدیث

در فصلنامه علمی- تخصصی

دوره اول

شماره اول

پاییز و زمستان

۱۲۶

ساختار کلی مقاله:

پائلو کونیتسچ خاورشناس آلمانی و استاد دانشگاه مونیخ، در مقاله *Planets and Stars* مدعی شده است که قرآن کریم از دانش کیهان شناختی عصر نزول قرآن تأثیر پذیرفته است و بیان می کند که اعراب دانش عمومی خود را پیرامون فضا و پدیده های آسمانی، از دانش عصر این پدیده ها در شبه جزیره عربستان وام گرفته اند. وی اذعان می کند که اعراب قبل از اینکه با علم فارسی و هندی و یونانی ارتباط برقرار کنند، دانش عمومی خود را پیرامون فضا و پدیده های آسمانی گسترش داده است.

وی بیان کرده، از قرن سوم به بعد فرهنگ نویسان زبان عربی اطلاعات نجومی را در تک نگاره های خود گردآوری کردند و واژه های سیاره و ستاره، کوكب و نجم، جابه جا و بدون تشخیص از یگدیگر بکار می بردند هرچند اعراب قدیم سیارات و ستارگان را می شناختند. نگ: *Paul Kunitzsch, 2004, Planets and Stars, 106-109*) وی در ادامه مدعی شده است اشارت های قرآنی تأثیر پذیری از دانش کیهان شناسی عصر نزول داشته است و همچنین نظم هستی و آفرینش هفت آسمان را متأثر از کیهان شناسی و هئت بطلمیوس و یونانی دانسته است و مدعی است که با اکتشافات نجومی در تعارض می باشند. همچنین معتقد است که باید با ادبیات تلمودی مقایسه گردند. این خاورشناس در ادامه پیرامون خلقت هفت آسمان بیان می کند که نظم هستی که خداوند از آن به هفت آسمان یاد کرده است در لایه های یکی بالاتر از دیگری قرار دارد از اینرو هر فرد را در مواجهه با این آیات به یاد کیهان شناسی یونانی بطلمیوسی می اندازد.

پیرامون ساختار کلی این مقاله باید گفت، این مقاله حاوی چند بخش است که این خاورشناس تقریباً به ۷۷ آیه از قرآن کریم اشاره کرده است، و مدعی است که واژگانی که در قرآن بکار رفته بعدها بعنوان بخشی از واژگان تخصصی علم ستاره شناسی عربی - اسلامی درآمده اند. این خاورشناس در بخش مربوط واژگان به کلماتی چون برج، فجر، غرب، کوكب، منازل، مشرق، نجم، القمر، الشمس، شهاب، طلع، مطلع و افق اشاره کرده است. و در بخش مربوط به موضوعات ستارشناسی به نظام عالم به هفت آسمان، ستارگان مشخص و ستارگان نامشخص یاد کرده است وی بیشتر تأکید دارد که عرب بین ستاره و سیاره فرقی و یا تشخیصی قرار نمی داده است. (Ibid: P۱۰۸)

همچنین در بخش مربوط به ستاره شناسی پدیده هایی دیگری مثل مسئله مدارها و طرائق در آیه ۱۷ سوره مومنون را مثال می زند و در ادامه دچار شک و ابهام شده، و این موضوع را حل ناشدنی ذکر کرده است. وی آیه ۳۳ سوره انبیاء را انعکاسی از کیهان شناسی یونانی می داند که هر جرم آسمانی در مدار خود حرکت می کند و مدعی شده تردید داریم که از این آیه برداشت علمی صریح و آشکاری استنباط گردد. در بحث مربوط به ستاره شناسی به مقایسه هشت فلک

آسمانی نظام یونانی با هفت فلک قرآنی پرداخته است و بیان می کند که آسمان های هفتگانه قرآنی ظاهراً نه به کیهان شناسی و ستاره شناسی بلکه به نظریه پردازی الهیاتی تعلق دارد و قابل مقایسه با هفت آسمان ذکر شده در کتاب عهد مشایخ دوازده گانه و ادبیات تلمودی است (Ibid: P۱۰۶)

وی در همین بخش مربوط به موضوعات ستاره شناسی بر ادعای خود تأکید می کند که از آیه ۴۰ سوره یس معنای علمی صریحی استنباط نمی گردد و بیان می کند که این آیه انعکاسی از کیهان شناسی یونانی است. در همین بخش به عبارتی نظیر: «منزل ها» در سوره یونس و یس؛ اشاره به خورشید، ماه، ستارگان و همچنین واژه های «مسخرات» و «بحسبان» اشاره می کند و می گوید؛ که این اجرام را خداوند در خدمت انسان قرار داده و برای محاسبه زمان آفریده شده اند و بیان دارد خداوند برای این هدف، مدارها ماه را به منزل ها و آسمان ها را به صور فلکی و برج های دوازده گانه تقسیم کرده است و به آیه ۱۶ از سوره حجر اشاره می کند، و می گوید: اما معلوم نیست که آیا قرآن کریم در اینجا به نظام کاملی شامل بیست و هشت منزل ماه اشاره دارد یا صرفاً به برخی از منزل های نامشخص در کهن ترین متن شناخته شده است. (Ibid: P۱۰۸, ۱۰۷)

ایشان، در ادامه این بحث با اشاره به آیه ۱۸۹ سوره بقره، آیه ۹۷ از سوره انعام و ۶۳ سوره نمل آورده است که از روئت ماه های نو برای جهت یابی و تعیین زمان و تاریخ حج استفاده می شده، همچنین می گوید به دفعات متعددی از واژه «شهاب» به معنای آتش در آسمان اشاره شده است که به سوی شیاطین که قصد شنود گفتگوی با فرشتگان را دارند پرتاب می شد. وی احتمال می دهد که منظور از این آتش، توصیف ستاره های آتشین، یعنی همان شهاب سنگ ها می باشد. (Ibid: P۱۰۸)

ایشان در بخش دیگری از مقاله تحت عنوان؛ ستارگان نامشخص، با اشاره به برخی از سوره های متقدم قرآن کریم، تصریح کرده است که عبارت های که حاوی سوگند می باشند به آسانی قابل فهم اند اما در ادامه می گوید سوگند به ستاره در برخی از سوره ها نظیر؛ سوره طارق، واژه طارق در آیه اول نامشخص و مبهم است، و آیه سه از این سوره «النَّجْمُ الثَّاقِبُ» را با آیه ده از سوره صافات واژه «ثاقب» مقایسه کرده است و می گوید «ثاقب» صفت شهاب است. و از طرف دیگر سوگند در سوره واقعه «اقسم بالمواعج النجوم» را مبهم می داند و کواکب و ماه و خورشید در سوره یوسف را از پدیده های ناشناخته بشمار آورده است. (Ibid: P۱۰۸)

در بخش آخر از مقاله به ستارگان مشخص اشاره کرده است وی معتقد است که در قرآن کریم فقط یکبار به ستاره ای با لفظ عربی اش اشاره شده است (وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشُّعْرَى) (نجم/۴۹). وی منظور از «الشعری» را ستاره کلب اکبر، همان شعرای یمانی که درخشنده ترین ستاره ثابت در آسمان، دانسته است. همچنین در این بخش به آیات ۱۵-۱۶ سوره تکویر اشاره

کرده است و منظور از این آیات را پنج سیاره مورد آشکار نظیر؛ عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل دانسته است). (Ibid: P109). همچنین باید افزود؛ این خاورشناس در قسمت کتاب شناسی، منابعی را که به آنها استناد کرده در دو بخش منابع اسلامی و غربی آورده است و به کتاب انزیه ابن قتیبه، کتاب المخصص اسماعیل مرسی استناد کرده است.

در ذیل ادعای این خاورشناس پیرامون مباحث سیاره و ستاره پیرامون آیات قرآن آورده را مورد نقد و بررسی قرار می دهیم.

نقد و بررسی:

پرواضح هست که در قرآن کریم حدود دویست آیه پیرامون سیارات و ستارگان و اجرام آسمانی و کیهان شناسی سخن رفته است. آیات مطرح شده در قرآن کریم کوچکترین تناقضی با یافته های جدید و علمی در حوزه سیارات و ستارگان و مدل های کیهان شناسی ندارد بلکه الهام بخش پیش بینی های جدید علم اختر شناسی و کیهان شناسی است. ابتدا به تعریف واژه شناسی آسمان می پردازیم.

آسمان (سما) در عربی از ریشه سمو، سمی، سُمُو به معنای علو و بلندی ذکر شده است (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ۲۳۶)

همچنین راغب در مفردات هر بالایی نسبت به پایین آن را آسمان و هر پایین نسبت به بالای آن را زمین نام برده است. (راغب، ۱۴۲۶ق، ص ۴۲۷).

واژه «سما» در قرآن کریم به صورت مفرد صد و بیست بار و بصورت جمع صدو نود بار بکار رفته است. (عبدالباقی، ۱۴۰۸ق، صص ۴۵۹-۴۶۵) واژه آسمان در قرآن هم بصورت مادی در قالب هوای فشرده اطراف جو زمین، اجرام و کرات آسمانی، محل قرار گرفتن ستارگان و سیارات، جهت بالا و هم بصورت معنوی بکار رفته است. در خصوص هفت آسمان نظریات گوناگونی وجود دارد که غالب نظریات منحصر دانستن آسمان به عدد هفت می باشد، البته باید گفت هر یک از هفت آسمان قرآنی توسط خود قرآن با عناوین خاصی معرفی گردیده و بر سیارات فوقانی زمین قابل انطباق می باشد. با دقت پیرامون آسمان های هفتگانه نتیجه گرفته می شود که در بسیاری از آیات قرآن کریم سخن رفته است و بسیاری از مفسران در ذیل آیات اشاره به این موضوع داشته اند و معتقدند که موضوع هفت آسمان قبل از اسلام در سایر ادیان یهودیت و مسیحیت مطرح بوده است.

البته آسمان های هفتگانه را برخی همان سیاره های هفت گانه؛ عطارد، زهره، مریخ، مشتری، زحل، ماه و خورشید می دانند (زمانی قمشه ای، ۱۳۸۱، ص ۲۸۴).

در آیاتی از قرآن کریم به جایگاه خورشید و ماه در مسیر و مداره های معین اشاره رفته است.

پیرامون آیه ۳۸ از سوره مبارکه یس باید افزود که در مکانیک سماوی برای اجرام آسمانی، مسیر حرکت مساحبه می‌گردد و این آیه به وضوح به حرکت خورشید اشاره دارد اجرام را نمی‌توان روی مسیرهای ناپایدار مشاهده کرد و مسیرهای مشاهده برای اجرام آسمانی مسیر های پایدار و مستقر هستند.

باید گفت در تعبیر این آیه اشاره ای پر معنی بکار رفته است و آن نظام سال شمسی که از حرکت خورشید در برج‌ها حاصل می‌گردد نظامی که به زندگی بشر نظم و برنامه می‌دهد منظور از «منازل» همان منزلگاههای بیست هشتگانه ای است که ماه قبل از تاریکی مطلق طی می‌کند زیرا هنگامی که ماه سی روز تمام باشد تا شب بیست و هشتم قابل رؤیت است که با تعبیر بسیار لطیف به صورت شاخه کهنه قوسی شکل زرد رنگ خرما بکار رفته است. (نک: مکارم شیراز، ۱۳۷۴ ج ۱۸، ص ۳۸۳). یعنی این حرکت به زیبایی تمام به عرجون قدیم تشبیه شده است چرا که ماه به دور زمین در مسیر بیضوی به دایره حرکت می‌کند و از سویی زمین به عنوان مرکز نیرو این دایره ثابت نیست و به دور خورشید می‌گردد. بنابراین باید گفت این منزلگاهها کاملا دقیق و حساب شده است بطوری که منجمان از صد سال قبل طبق اطلاعات دقیقی که دارند آن را پیش بینی می‌کنند. این مطلب خط بطلان بر ادعای این خاورشناس می‌کشد.

همچنین با دقت در آیات ۳۸ و ۳۹ از سوره مبارکه یس (وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ؛ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ). (۳۸ و ۳۹/یس) و همچنین در آیه ۵ از سوره مبارکه یونس (هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) (یونس/۵) باید گفت خداوند برای ماه منزل گاههایی مقدر کرد تا شمار سال‌ها و حساب زندگی و کار خویش را بداند. یعنی ماه از نخستین شب که هلال باریکی بیش نیست تا نیمه ماه رو به افزایش می‌رود و سپس نقصان می‌یابد تا اینکه در تاریکی فرو می‌رود و بار دیگر به شکل هلال ظاهر می‌گردد و همان منزل گاه‌های پیشین را طی می‌کند و این دگرگونی، عبث و بیهوده نیست بلکه یک تقویم بسیار دقیق و زنده و طبیعی که عالم و جاهل می‌توانند آنرا بخوانند و حساب کارها و امور خود را بدانند و این اضافه برنوری است که ماه به ما می‌بخشد. (برای مطالعه بیشتر نک: مکارم شیرازی، ج ۸، ص ۲۲۴؛ برای حالات ماه نک: ج ۲، ص ۶).

از سویی دیگر در آیه ۴۰ از سوره مبارکه یس (لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ) دو مطلب ویژه به چشم می‌خورد و اینکه خورشید و ماه هیچ وقت همدیگر را درک نخواهند کرد و این از حرف «لا» در آیه مشهود است (طباطبایی، ج ۱۷، ص ۱۳۴) درحالیکه نظراتی وجود دارد که ماه و خورشید همدیگر را هم پوشانی می‌کنند و به هم نزدیک می‌شوند و این تصور ناشی از این می‌شود که ماه و خورشید در منطقه البروج حرکت می‌کنند اما مسیر حرکت این دو جرم آسمانی هیچ گاه در فضا مسیر همدیگر را قطع نمی‌کند

نکته دیگر عدم سبقت شب و روز است و قطعیت این آیه در عدم سبقت شب از روز پشتوانه ای قوی از اصل بقای اندازه حرکت زاویه ای است. و بالاتر از آن بیانگر تدبیری است دائمی و خلل ناپذیر، مدت معینی ندارد تا بعد از تمام شدن آن مدت به وسیله تدبیری دیگر نقض گردد.

در نتیجه معنای آیه را می توان چنین بیان نمود که خورشید و ماه همواره ملازم آن مسیری هستند که برایشان ترسیم شده است نه خورشید به ماه می رسد و نه شب از روز جلو می افتد (همان؛ مکارم شیرازی، ج ۱۸، ۳۸۲ و ۳۸۳).

درباره واژه «بروج» در آیه (وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ؛ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ؛ إِلَّا مِنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ) (حجر ۱۶-۱۸) باید گفت مفسرین واژه «بروج» را به معنی قصر و یا «برج» در اصل معنی ظهور دانسته اند و به همین جهت آن قسمت مخصوصی از دیوار شهر و محل اجتماع لشکر که بروز و ظهور خاصی دارد را بروج می نامند، از این رو روشن می گردد برج های آسمانی اشاره به منزلگاههای خورشید و ماه است و به تعبیر دقیقتر هنگامی که از کره زمین به ماه و خورشید نگاه می کنیم در هر فصل و موقعی از سال آنها را در مقابل یکی از صور فلکی می بینیم. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲/ص ۲۰۱-۲۰۳؛ مکارم شیرازی، ج ۱۱/ص ۱۸). نکته مهم دیگری که باید به آن توجه نمود زینت دادن آسمان برای ناظرین است ستارگان درخشانده و کواکب فروزانی که اندازه های مختلفی و نورهای متنوعی دارند از همین رو تأکید و اهمیت این موضوع را خداوند در آیات دیگر مورد تکرار و تأکید قرار داده است و در سوره صافات آیات ۶ تا ۱۰ از این سوره مبارکه پیرامون واژه «شهاب» مفسران شیعی نظرات یکسانی دارند این واژه به معنای شعله ی است که از آتش بیرون می آید، همچنین به اجرام روشنی هم که در جو دیده می شوند از این جهت شهاب گفته اند که مانند ستاره ای است که ناگهان از گوشه ای از آسمان بیرون آمده به سرعت می رود و پس از لحظه ای خاموش می شود.

علامه طباطبایی در ذیل آیات ۶-۱۰ سوره صافات (إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ؛ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ؛ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ) آورده است ظاهر معنی آیات این می شود ما در آسمان برج ها و قصر ها که همان منزل های آفتاب و ماه است را قرار دادیم و آن را برای بینندگان به زینتی آراستیم و آن زینت همانا نجوم و کواکب است و آسمان را از هر شیطان رانده شده حفظ کردیم و به محض نزدیک شدن شهابی مبین دنبالش می کنند کلمه «ثاقب» از «ثقوب» به معنای فرو رفتن و نفوذ چیزی در چیزی است ایشان معتقدند شهاب را از این جهت «ثاقب» نامیده اند که از هدف خطا نمی رود و همواره به هدف می خورد. (طباطبایی، ج ۱۷/ص ۱۸۶) البته علامه طباطبایی نظراتی که پیرامون تفسیر شهاب در تفسیر فخر رازی و علامه آلوسی وجود دارد را خط بطلان می کشد و بیان می کند که ذکر این موارد مانند کرسی، عرش، لوح... از باب مثالهایی است که به منظور تصویر حقایق خارج از حس زده شود تا آنچه خارج حس است به صورت محسوسات در افهام بگنجد (همان/ ۱۸۷).

همچنین باید گفت دو گونه مانع در برابر نفوذ شیاطین به صحنه آسمان وجود دارد و طبق گفته مفسرین مانع اول قذف و طرد از هر جانب می باشد که بوسیله «شهب» صورت می گیرد و مانع دوم «شهاب ثاقب» می باشد و کسانی که قصد دارند به «ملاء اعلی» برای استقراق سمع نزدیک شوند اصابت می گردند.

البته از نظر علمی لازم به ذکر است پیرامون آیه (وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ) (انبیاء/۳۲) که در فضای بین سیارات و سنگ ها و ذرات بسیاری بصورت سرگردان وجود که با سرعت سرسام آوری در جهات مختلف در حرکت اند و در طول شبانه روز میلیون ها عدد از این اجرام ریز و درشت به جو زمین برخورد می کنند و در اثر اصطکاک با جو می سوزند و خاکستر آن بر جو زمین و سطح زمین افزوده می شود باید گفت چگالی جو زمین در سطح دریا حدود ده به توان نوزده، ذره بر سانتی متر مکعب است در سطح زمین وقتی با سرعت معمولی حرکت می کنیم وجود جو زمین را احساس نمی کنیم ولی زمانی که سرعت حرکتمان بالا می رود وجود جو و مقاومت آن را متوجه می شویم البته در لایه های بالای جو تعداد ذرات ده به توان هشت، می رسد و حدود یکصد میلیارد بار ضعیفتر از سطح دریا می رسد وضعیت خلاء وجود دارد اما به دلیل سرعت نسبی چند کیلومتر بر ثانیه اجرام سرگردان هنگام برخورد با این محیط رقیق، جو را مثل سپری در مقابل خود خواهند دید جو زمین موهبتی است که ضمن داشتن چگالی مناسب در سطح زمین برای جابجایی روان در سرعت های پایین، امکان حمل و نقل هوایی در سرعت های پایین را می دهد (نصیری قیداری، ۱۳۸۹، ص ۵). بنابراین از اکسیژن آن برای ادامه حیات و تنفس استفاده می کنیم و کلیه تغییرات اقلیمی، وزش باد و بارندگی و تنظیم رطوبت نسبی در آن صورت می گیرد. البته نکته مهم دیگری وجود دارد و اینکه وجود لایه ازن در آن مانع از عبور امواج ماوراء بنفش خورشید می گردد مثل سپری محکم و سقفی محفوظ در مقابل برخورد سنگهای آسمانی به سطح آن عمل می کند.

درباره هلال ماه های نو که در قرآن کریم در آیه (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْهَلَالِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ...) (حج/۱۸۹) تذکر داده شده است، اصل این واژه هلال ماه است (راغب، ۱۴۱۲ق، ۸۴۳).

باید گفت که در حقیقت ماه یک تقویم طبیعی برای عموم افراد بشر در هر نقطه ای از جهان است و یکی از امتیازات قوانین اسلامی قرار داشتن دستورات آن بر طبق مقایس های طبیعی می باشد لذا اسلام مقایس را گوناگون قرار داده است و در مورد تعیین وقت غروب آفتاب و طلوع فجر، گذشتن خورشید از نصف النهار و رؤیت ماه قرار داده است از این رو برتری و امتیاز ماه های قمری نسبت به ماه های شمسی مشخص می گردد، هرچند حرکات هر دو از کواکب آسمان مشخص می گردد ولی ماه های قمری برای همه قابل مشاهده هستند در حالی که ماههای شمسی را فقط منجمان با ابزارهای نجوم شناسی تشخیص می دهند. در نتیجه از آیه روشن می گردد که حج و تعیین موسوم به وسیله هلال ماه بوده است و از سویی بی اساس بودن سخن این خاورشناس روشن می گردد که هدف آیه

فقط مشخص نمودن مراسم حج نبوده بلکه علاوه بر بطلان نمودن رسوم خرافی پیرامون مراسم حج، آیه معنی وسیع تر و عمومی تری را گوشزد می کند. (مکارم شیرازی، همان، ج ۲/ ص ۱۵؛ نک: طباطبایی، همان، ج ۲/ ۱۸۹ و ۱۹۰)

پرواضح است نظم و برنامه ریزی لازمه زندگی فردی و اجتماعی هر انسانی می باشد بر همین اساس، خداوند اسباب این نظم را در اختیار انسان قرار داد و حرکات منظم کره زمین به دور خود و به دور خورشید و همچنین گردش منظم ماه را وسیله ای برای نظام زمان مندی قرار داد تا برنامه های زندگی اعم از مادی و معنوی تحت نظام درآید.

پیرامون لغات و واژگان سماوی باسد گفت که، پرواضح است که لغات سماوی بصورت ویژه در قرآن کریم بکار رفته است در سوره ق می فرماید: (أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ) (ق/۶) همانطور که می دانیم زینت یافتن آسمانها به النجوم، المصابیح، الشمس در تعریف واقعی کلمه همان منظومه سماوی است که در آیات قرآن کریم به آن تصریح شده است

می توان گفت که النجوم و بمصابیح به معنی الشمس و الكواكب و البروج به معنی سیارات می باشد. چرا که در قرآن کریم الكواكب با ریشه کوكب پنج بار در آیات بکار رفته است بنابراین در مناظره ابراهیم خلیل الله با قومش (فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ) (انعام/ ۷۶).

کوکبا در آیه فوق اشاره به سیاره دارد نه ستاره، چرا که مفسران نیز به سیاره زهره اشاره کرده اند که درخشان ترین جرم سماوی پس از خورشید و ماه می باشد. (مکارم شیرازی، ج ۵، ص ۳۱۳) بطوریکه فاصله ی ظهور و افول سیارات خاص با زمان کمتری نسبت به ستارگان رخ می دهد و پرنورترین ستاره در آسمان، ستاره ی شبانگاه می باشد از طرفی در روایتی از امام رضا (ع) وجود دارد که منظور از این ستاره زهره بوده است، عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۷۳۵ و ۷۳۶). همچنین در رد گفته این خاورشناس پیرامون سوگند های قرآنی باید بیان کرد که؛ خداوند برای اثبات حقانیت خود به قسم یاد کرده و در بسیاری از آیات برای آنچه می خواهد اثبات کند به قسم روی می آورد و سوگند های قرآن به مقسم به های مختلف بویژه به ماه، خورشید و ستارگان عین بینه است.

از اینرو برای توجه دادن انسان به منافع فراوانی که وسیله رحمت و نعمت و مظهر یگانگی و وحدانیت خداوند است و آثار نامتناهیش در آن متجلی شده با تأکید سوگند یاد کرده است و پیرامون آیه (فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ) باید متذکر شد، لا در اینجا به معنی نفی نیست و اکثر مفسران آن را زائده و برای تأکید دانسته اند. و منظور از «مواقع نجوم» جایگاه ستارگان، مدارات و مسیر آنها می باشد(طباطبایی، ج ۱۹/ ص ۹۱؛ مکارم شیرازی، ج ۲۳/ ص ۸۲) البته به هنگام نزول این آیات غالب مردم اهمیت این سوگند رو نمی دانستند که امروزه برای ما مشخص شده

است که ستارگان آسمان هر کدام جایگاه ویژه و مشخصی دارند و مسیر و مدار آنها طبق قانون جاذبه و دافعه تعیین می شود بسیار دقیق و حساب شده و سرعت و سیر آنها با برنامه ریزی دقیق است. با دقت در نکات تفسیری این آیه بطلان گفته این مستشرق روشن می گردد. (برای اطلاع بیشتر نک: به نکات تفسیری مکارم در تفسیر نمونه)

این مستشرق در اکثر جاها که استناد به آیات پیرامون نجوم کرده تفسیر و اشارت های قرآنی را به بهره گیری از نظریه بطلمیوسی دانسته است که باید گفت نظریه هیئت بطلمیوس که همراه با نظریه و فرضیاتی بود که هنوز به درجه حقیقت علمی ثابت نشده بود و بسیاری از دانشمندان معتقد به «مرکزیت زمین» شده و آن را یقین پنداشته و با رشد دانش و مطالعات جدید علوم تجربی ثابت شد تمام این نظریه ها باطل است در حالی آیات قرآن کریم برجای خود ثابت و استوار بود و حکم به کروی بودن زمین در ۱۴۰۰ سال پیش داده بود. بنابراین حقایق دینی و قرآنی با حقایق علمی منافات ندارد. (برای مطالعه بیشتر نک: الخطیب، ترجمه مشری، ۱۳۸۱، فصل دوم)

پر واضح است که قرآن کریم به عنوان مجموعه ای از عبارات و الفاظ عالییه ای است که دال بر معانی ویژه دارد از سویی جهان علم با مجموعه ای از فرضیه و تئوری ها و مشاهدات عینی است که در این جا باید گفت که آیا می توان به رابطه ای قابل اعتنا در این مورد بیان کرد و یا خیر، از طرفی اگر رابطه ای وجود داشته باشد باید از نوع هماهنگی مستمر باشد و یا به اشکال دیگری وجود داشته باشد. از نظر علمی، وجود پدیده و یک حقیقت مورد تردید و یا قطعی و یا مورد مشاهده است.

بنابراین اگر رد پای آن در عبارات قرآنی به چشم بخورد دلالت الفاظ بر وجود آن پدیده چهار حالت دارد و می توان به لحاظ علمی جنبه احتمالی داشته باشد و عبارات قرآن نیز دلالت احتمالی را بیان می کند و یا از سویی دیگر به لحاظ علمی جنبه قطعی و مورد مشاهده دارد ولی به لحاظ عبارات قرآنی قطعی نیست، از طرف دیگر به لحاظ علمی جنبه احتمالی دارد و دلالت عبارات قرآن بر آن قطعی است و یا به لحاظ علمی قطعی و قابل مشاهده است و به لحاظ عبارات قرآن نیز قابل اثبات است. (برومند، ۱۳۸۴، ص ۲۴۱-۲۴۲)

در نتیجه باید گفت؛ در حالت چهارم توجیه علمی امکان پذیر است و از قوت و قدرت بیشتری برخوردار است و این مصداقی بر توجیه علمی اعجاز قرآن کریم می باشد، موریس بوکای در این زمینه می گوید؛ در قرآن کریم اشاراتی به پدیده هایی است که بشر قابلیت درمیان را دارد هرچند که از سوی دانش نو تأیید نشده باشد و ایشان می گویند قرآن کریم اشاراتی راجع به سیاراتی شبیه زمین در جهان دارد، (نک: مقایسه میان تورات و انجیل، قرآن و علم، ص ۱۷۵). از اینرو آنچه را که قرآن کریم در این زمینه تذکر داده و به آنچه در مورد نجوم گفته شد و آن تسخیر فضا است، و از آزمایش های موشک های فضا پیما دیر زمانی گذشته است و امروزه

انسان با وجود امکانات مادی به تفحص فضا پرداخته است و اینجاست که پی می بریم آیاتی از قرآن کریم پیشگویی می کرده است که روزی بشر به چنین پیروزی دست خواهد یافت و این پیشگویی نیز تحقق یافته است.

همچنین پدیده گسترش کیهان و آنچه در قرآن که بصورت اشاره های لطیف بکار رفته است از مصادیق رابطه قرآن و علم است که توجیه علمی دارد در سوره ذاریات آیه ۴۵ بر پایی آسمان با فعل ماضی بیان شده است و برای وسعت بخشیدن بسیار لطیف با حال استمراری بیان می گردد «و انا لموسعون» و این گسترش در حال حاضر نیز صادق است. و قرآن کریم در ۱۴۰۰ سال پیش به این پدیده اشاره کرده است و امروزه با پیشرفت ابزار علم پرده از این گسترش برداشته شده است و حقایق قرآن کریم با قرینه ای مناسب بیان شده است. (برومند، همان، ص ۲۴۵).

کلام آخر، اینکه این نویسنده در جای جای مقاله خود بیان می کند که آیات تداعی کننده هیئت بطلمیوسی است باید گفت که برخی از علمای اسلامی تحت تأثیر این نظریه قرار گرفته اند که بعدها با پیشرفت علم و نجوم عدم صحت این نظریه ها ثابت شده است.

نتیجه گیری:

نوسینده مقاله اشارت های قرآنی پیرامون سیاره و ستاره را برگرفته از فرهنگ عصر نزول دانسته است وی در استناد آیات به نجوم و مباحث کیهان شناسی دچار شک و تردید شده و در برخی از جاها دیده می شود دیدگاه اش عالمانه و بدون تعصب است مقاله تحت عنوان سیاره و ستاره است اما مباحث گوناگونی مربوط به آسمان و کیهان شناسی است را تکرار می کند وی در استناد به آیات و اشارت های قرآنی که بیانگر مباحث علمی می باشند دچار تشکیک شده و آیات قرآن را برای شناسی مباحث نجوم و هفت آسمان مبهم می داند.

در بررسی منابع و مأخذ نیز عموماً به آثار متقن و معتبر عنایت نداشته است وی در تمامی مباحث پیرامون ستاره و سیاره به کتب اهل سنت بویژه این قتیبه، سفر پیدایش و منابع یهودی - مسیحی ارجاع داده است که این می تواند ناشی از عدم دسترسی او منابع اصیل بویژه شیعی باشد.

در نتیجه ادبیات قرآن کریم که بیش از ۱۴۰۰ سال می گذرد همان ادبیات نوین پیرامون آیات نجوم و کیهان شناسی است که هیچ گونه تناقض و ناهماهنگی بین آیات و آنچه امروزه از علم نجوم وجود دارد دیده نمی شود. و در پرتو پیشرفت دانش تجربی و کشفیات و دستاوردهای قطعی علمی و مورد مشاهده که اثبات شده اند می توان به بینش و ادراک بیشتری نسبت به آیات قرآن کریم و جهان هستی، و معرفت به خداشناسی دست یافت و پرده از اسرار الهی برداشت.

خردنامه قرآن و حدیث

دوفصلنامه علمی - تخصصی

منابع و مأخذ

- ***قرآن کریم
- ۱- برومند، محمد حسین، ۱۳۸۴، نقد و بررسی روشهای تبیین حقانیت قرآن، قم: انتشارات عرش اندیشه.
 - ۲- جوهری، اسماعیل بن حماد. صحاح اللغة، ۱۴۰۴ق، ج ۶. بیروت: دارالعلم.
 - ۳- الخطیب، عبد الغنی، ترجمه مبشری، اسدالله، ۱۳۸۱، قرآن و علم امروز، تهران: انتشارات عطائی، چاپ دوم.
 - ۴- دبیر، ذبیح الله، ترجمه مقایسه میان تورات و انجیل، قرآن و علم.
 - ۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه، چاپ اول.
 - ۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۲۶ق، المفردات لالفاظ القرآن، نشر ذوی القربی، چاپ پنجم.
 - ۷- زمانی قمشه ای، علی، ۱۳۸۱، هیئت و نجوم اسلامی، نشر سماء چاپ اول.
 - ۸- زمانی قمشه ای، علی، ۱۳۸۱، هیئت و نجوم اسلامی، نشر سماء، بی جا.
 - ۹- سعیدی روشن، محمد باقر، ۱۳۸۳، تحلیل زبان قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
 - ۱۰- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۲، ۱۲، ۱۹، ۱۷، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۷۴، قم: انتشارات جامعه اسلامی مدرسین حوزه قم.
 - ۱۱- عبدالباقی، محمد فواد، ۱۴۰۸ق، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، منشورات ذی القربی.
 - ۱۲- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، نورالتقلین، ج ۱، قم: انتشارات اسماعیلیان.
 - ۱۳- کینگ، ترجمه راضیه سادات موسوی، ۱۳۹۴، چشم انداز نجوم دوره اسلامی، سال چهارم.
 - ۱۴- کینگ، دیویدا، ترجمه، موسوی، راضیه سادات، ۱۳۹۴، چشم انداز نجوم اسلامی، مجله میراث علوم اسلامی، سال چهارم، چاپ اول.
 - ۱۵- گوهری، مریم، ۱۳۹۷، «نقش علوم تجربی در ترجمه قرآن کریم در حوزه آیات»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۱۰، دوره پنجم، ۱۴۷-۱۷۹.
 - ۱۶- مطهری نیا، محمود، ۱۳۸۸، مستشرقان و نبی اعظم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
 - ۱۷- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، ج ۱، ۲، ۸، ۱۱، ۱۸، ۲۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
 - ۱۸- نصیری قیداری، سعدالله، ۱۳۸۹، طراحی و ساخت تلسکوپ های اپتیکی و رادیویی، انتشارات گیتاشناسی.

1 - Brill: Leiden-Boston. 4 Planets and Stars. Encyclopedia Of The Quran. V. 200 Paul Kunitzsch - 1. 2004